

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید بر رویه قضایی بین‌المللی

سید حسین جعفری طاهری^۱، سیدحسام الدین لسانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷.۱.۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷.۳.۲۳

چکیده

جنایات بین‌المللی از موضوعات مهم در حقوق بین‌الملل است. در اثر ارتکاب این جنایات، خسارت و صدماتی به قربانیان و زیان دیدگان وارد می‌شود. سیاست راهبردی دیوان با رویکردی حیاتی و استراتژیک بگونه‌ای با حیات سیاسی دولتها پیوند داشته‌اند. جبران خسارت بعنوان یکی از مولفه‌های سیاست راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری نهادینه شده است. دیوان بین‌المللی کیفری، به استناد اصل صلاحیت تکمیلی، می‌تواند این جنایات را تحت تعقیب قرار دهد. دیوان بین‌المللی کیفری نظام عدالت کیفری بین‌المللی را بزه دیده مداری می‌داند، از این‌روی جبران خسارت که بخشی از سیاستهای راهبردی دیوان کیفری بین‌المللی است که در پرتو اجرای جبران خسارت متبلور می‌شود. عنصر قدرت و نوع روابط کشورهای متفرد و قدرتمند با دیوان می‌تواند در اجرای این سیاست تعیین‌کننده باشد، لیکن دیوان با اعمال سیاستهای استبدادی ابرقدرتهای جهانی، جهت دستیابی به اهداف و سیاست‌های راهبردی، با ناملايمات و موانع جدی مواجه می‌گردد که این موانع اسباب برهم زدن موازنه نظام عدالت کیفری در برخورد با جنایات بین‌المللی را پدید آورده است. سوال اساسی که در این پژوهش مطرح است، اصول و رویه‌هاست، برهمن اساس، دیوان باید در هر پرونده، سیاستها و رویه‌های مربوط به سیاست جبران خسارت را مشخص نماید. درپژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی است، به بررسی سیاستهای راهبردی جبران خسارت در دیوان پرداخته است. همچنین پیشینه‌ای از طرح‌های جبران خسارت مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: سیاست راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری، جبران خسارت، جنایات بین‌المللی، رویه قضایی

بین‌المللی، سیاست بین‌المللی

۱. گروه حقوق، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲. نویسنده مسئول، عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران، Email: lesaniiv@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از مقولات مهم در حقوق بین‌الملل، مقوله جنایات بین‌المللی است. این جنایات اصولاً در قلمرو داخلی کشورها یا توسط اتباع آنها ارتکاب می‌یابد. با این حال، گاهی مقابله با این جنایات توسط نظام‌های داخلی با موفقیت همراه نبوده و نیست. به همین خاطر، جنایتکاران بی‌کیفر می‌مانند. از سوی دیگر، قربانیان نیز قربانی بی‌عدالتی می‌شدند و خسارات وارده به آنها بدون جبران می‌ماند. از این رو، جامعه بین‌المللی تلاش کرد تا این خلاء را پر نماید. اندیشه تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری (از این پس دیوان) را می‌توان نوعی واکنش جامعه بین‌المللی به مقابله با بی‌کیفرمانی و جبران خسارتهای وارده به قربانیان تفسیر کرد.

در این راستا، دیوان دارای نوعی صلاحیت تکمیلی است. به این معنا که در خصوص جنایات ارتكابی اولویت با محاکم صلاحیت‌دار داخلی است. در صورتی که این دادگاهها نتوانند یا نخواهند رسیدگی نمایند، نوبت به دیوان می‌رسد. رسیدگی توسط دیوان صرفاً مجازات مرتکبین نیست. دیوان ضمن رسیدگی باید از یک طرف حقوق متهم را رعایت نماید. از سوی دیگر، بتواند خسارتهای وارده در اثر جرم به قربانیان را نیز جبران نماید. اساسنامه دیوان، نیز این مساله را مدنظر دارد؛ اگر چه مقررات اساسنامه و آیین دادرسی در این خصوص واضح و جامع نیست. به همین خاطر پیش‌بینی شده است که دیوان در حین رسیدگی به هر پرونده باید اصول و رویه‌های مربوط به جبران خسارت را تعیین نماید. دیوان پس از قطعی شدن احراز مجرمیت، وارد مرحله جبران خسارت می‌شود. در این مرحله است که دیوان باید گام مهمی را در خصوص اجرای عدالت در مورد قربانیان اتخاذ نماید. این گام به مجازات مجرمین محدود نمی‌شود بلکه فرصت مهمی برای دیوان پیش می‌آید تا بتواند در خصوص خسارتهای و صدمات وارده در اثر جنایت به قربانیان یا نزدیکان یا اموال آنها اتخاذ تصمیم نماید. بر این اساس ضرورت دارد تا اصول و رویه‌های

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید ... / ۱۶۹

حاکم بر جبران خسارت را نیز در هر پرونده مشخص نماید. سوال اساسی در این پژوهش این است که اصول و رویه‌های مورد بحث کدامند؟ در این نوشتار - که به شیوه توصیفی - تحلیلی می‌باشد - تلاش شده است تا ضمن تبیین سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری و مفهوم ضرر و زیان ناشی از جنایت به بررسی الگوی جبران خسارت در دیوان پرداخته شود. ضرورت تنظیم اصول صریح مربوط به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم نیز از موضوعات مهمی است که در این پژوهش بررسی می‌گردد. پس از آن اصول قابل اعمال توسط دیوان در خصوص جبران ضرر و زیان ناشی از جنایات بین‌المللی بحث خواهد شد، در نهایت نتیجه‌گیری و اظهارات نهایی ارائه می‌گردد.

۲- مفهوم ضرر و زیان ناشی از جنایت

از حیث لغوی ضرر (به فتح ضاد و راء) به معنی زیان می‌باشد. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲۶۴). همچنین «ضرر ضد منفعت و به معنی سختی، تنگی و بدی حال و نقصی است که در چیزی حاصل می‌شود». (المنجد، ۴۴۷) ضرر به «ضد سوء» (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۳۴) و ضد نفع نیز معنا شده است. (امام خمینی ۱۳۸۵: ۲۸) در فرهنگ فارسی واژه ضرر با واژه خسارت هم معنا و مترادف قلمداد شده است. ۱. در قانون مدنی و مسئولیت مدنی واژگان ضرر، زیان، خسارت و غرامت به یک معنی استعمال گردیده است. (امامی، ۱۳۵۱: ۵۴۹) در اساسنامه رم ۱۹۹۸ نیز از واژگان *loss, damage* و *injury* سخن به میان آمده است. *Injury* در اصطلاح حقوقی عبارت است از: (۱) نقض حق قانونی فرد که قانون برای آن راهکار جبران در نظر گرفته است. (۲) در حقوق اسکاتلند، هر چیزی که در نقض یک تکلیف گفته یا انجام شود البته در صورتی که منجر به صدمه ای علیه شخص، شخصیت یا

۱. برای نمونه بنگرید به: محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۴۱۹ و ۲۱۸۶.

اموال بشود. زیان‌ها می‌توانند به دو دسته مادی و معنوی تقسیم شوند. زیان می‌تواند ناشی از جرم یا ناشی از خطای مدنی باشد. (۳) هر گونه صدمه یا خسارت. برخی از صاحب‌نظران بین harm و injury تفاوت قایل می‌شوند. از نظر آنها harm شامل هر نوع ضرر یا زیان می‌شود، در حالی که injury شامل هر گونه تعرض قابل دادخواهی به نفع حمایت شده به وسیله قانون است. (Garner, ۲۰۰۹: ۸۵۶)

Harm از نظر حقوقی عبارت است از damage, loss, injury یا زیان مادی یا قابل لمس. بنابراین، از نظر حقوق کامن لا ضرر، زیان و خسارت همه در یک معنا می‌باشند. (Garner, ۲۰۰۹: ۷۸۴) بنابراین، می‌توان گفت در پژوهش حاضر، خسارت و ضرر در یک معنا گرفته شده است. در نتیجه از نظر اساسنامه دیوان سلب حیات فرد، از دست دادن سلامتی جسم، نقص در اموال، از دست دادن منفعت مسلم، از بین رفتن حیثیت و اعتبار شخص، لطمه به عواطف شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی فرد و از دست دادن هر گونه سرمایه و دارایی و حقی که شخص واجد آن بوده و از آن بهره‌مند بوده است یا اقتضای بهره‌مندی آن در نزد عرف وجود دارد، از جمله مصادیق خسارت و ضرر می‌باشند.

۳- دیوان بین‌المللی کیفری و طرح پرداخت غرامت به قربانیان

دیوان به عنوان یک نهاد دائمی قضایی مستقل بر اساس یک معاهده چندجانبه بین‌المللی موسوم به اساسنامه رم (۱۹۹۸) تشکیل شد. این معاهده در سال ۲۰۰۲ لازم الاجرا شد. در حقیقت، با لازم الاجرا شدن اساسنامه، دیوان فعالیت خود را شروع کرد.

۳-۱- پیدایش و سابقه طرح پرداخت غرامت به قربانیان

انسان همواره مراقبت می‌نماید که از ایراد آسیب و لطمه به خود جلوگیری نماید. این امر لازمه بقاء و از غرایز فطری نوع بشر است. نبود حکومت و نهادهای سیاسی در دوران اولیه زیست انسانی باعث می‌شد تا این احساس و غریزه در انسان قوی تر عمل می‌کرد.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید ... / ۱۷۱

(نوربها، ۱۳۶۹: ۷۹ به بعد). بر این اساس اشخاص خود برای دفاع از جان و مال خودش و حتی در اجرای مجازتها و جبران ضرر و زیان وارد عمل می‌شدند. این مرحله را می‌توان دوره عوض یا معادل ارادی نامید. ۱. ایده طرح غرامت قربانیان در حقوق داخلی، یک ایده بسیار قدیمی است. ۲. قدیمی‌ترین رد پای این نظریه را می‌توان در قانون حمورابی یافت. (D. Childres, ۱۹۶۴: ۴۴۴) از مهم‌ترین ویژگی‌های قانون حمورابی پذیرش مسئولیت مدنی و ضمان قهری بود. (آشوری، ۱۳۵۹: ۱-۳۶) علاوه بر قانون حمورابی، الواح دوازدهگانه رومیان نیز از کهن‌ترین حقوق انسانی حکایت می‌نماید... (عبدالحسین علی آبادی، ۱۳۶۷: ۹) شریعت مقدس اسلام ضمن امضای نهاد دیات آن را بر نظام خاص مبتنی نهاد. (درخشان نیا، ۱۳۷۶: ۳)

گرند دوک لئوپولد توسکنی ۳ یکی از قدیمی‌ترین طرح‌ها را در سال ۱۷۶۸ ایجاد کرد. در دوران مدرن، ایده طرح پرداخت غرامت به قربانی توسط طرفدان نظریه سودانگاری دوباره مطرح گردید. این سودانگار گرایان نسبت به تمرکز جبران گرایانه سنتی در عدالت کیفری هشدار دادند و طبیعتاً تمایلی به این نداشتند که جبران صدمه وارده هم به جامعه و هم قربانی باید بخشی از فرایند باشد. بنتام، به عنوان نماینده این جریان، در «کتاب اصول حقوق کیفری»^۴ این ایده را پذیرفت و پیشنهاد کرد که «اگر بزهکار هیچ شانس نداشته باشد»، جبران خسارت «باید با هزینه بیت المال صورت گیرد، چرا که این موضوع نفع عمومی است؛ و به امنیت همه مربوط می‌شود.» (Bentham, ۱۸۴۳: ۳۶۵) جرم‌شناسان

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص بنگرید به: عبدالحسین علی آبادی، ۱۳۶۷، صص ۸ تا ۴۰؛ حسن فقیه نخجیری، ۱۳۵۱، صص ۸ تا

۱۲ و همچنین پرویز صانعی، ۱۳۷۲، ص ۴۵.

۲. برای اطلاع بیشتر در این خصوص بنگرید به:

O'Connell, ۲۰۰۳, pp. ۲-۷.

۳. Grand Duke Leopold of Tuscany

۴. Principles of Penal Law

عدالت کیفری در قرن نوزدهم مشتاقانه از این ایده حمایت کردند (Ferri, ۱۹۱۷: ۱۱۰) و این موضوع در چند تا از کنگره های بین‌المللی کیفرشناسی مورد بحث قرار گرفت. طرح های پرداخت غرامت را می توان طرح هایی دانست که در آنها سرمایه عمومی به قربانی جرم و بازماندگان آنها داده می شود. (Edelhertz & Geis, ۱۹۷۴: ۳) این سرمایه ها از یک منبعی خارج از جرم می آیند و بر مبنای نیازهای خاص قربانیان یا نفع نظم عمومی هزینه می شوند. (Edelhertz & Geis, ۱۹۷۴: ۳) پیدایش این طرح ها یکی از مهم ترین تحولات جرم شناسی در دنیای غرب است. (Wolhuter, Olley & Denham, ۲۰۰۹: ۱) الهام بخش نخستین تجربیات را می توان از انگلستان دانست (Fry, ۱۹۵۹: ۱۹۱) نیوزیلند نخستین طرح جامع پرداخت غرامت را وضع کرد که در سال ۱۹۶۴ لازم الاجرا شد. (Cameron ۱۹۶۳: ۳۶۷-۶۸) تقریباً همزمان با آن، طرح های مشابهی در انگلستان (Shapland, ۱۳۷-۱۴۰، ۱۹۸۴: ۱۳۱، و کالیفرنیا (Shank ۱۹۷۰: ۸۵) پدیدار شد که ایالت نیویورک (Novack, ۱۹۷۱: ۷۱۷، ۷۲۴) نیز از آنها تبعیت نمود. امروزه، تمام ایالت‌های آمریکا یک طرح دارند (Sutherland, Cressey & Luckenbill, ۱۹۹۲: ۲۹۹). در کانادا، پرداخت غرامت به قربانیان در سطح ایالتی رایج است. (An Overview of Victim Services Across Canada, ۲۰۰۹) سوئد در سال ۱۹۷۸ قانون غرامت صدمات کیفری ۱ را پذیرفت. همچنین صندوق هایی در فرانسه، آلمان، ایتالیا و برخی از دیگر کشورهای اروپایی ایجاد شد. از مهم ترین اسناد در حوزه اتحادیه اروپایی می توان به دستورالعمل شورای اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد. این دستورالعمل مقرر می نماید که: «همه کشورهای عضو تضمین می نمایند که قواعد ملی شان وجود طرح پرداخت غرامت به قربانیان جنایت خشن بین‌المللی ارتكابی در قلمرو خود را پیش بینی نمایند.» (Report from the

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید .../۱۷۳

Commission to the Council, ۲۰۰۹) برخی از صندوق‌های پرداخت غرامت در حال حاضر یک گستره فراسرزمینی دارند و شهروندانی را تحت پوشش قرار می‌دهند که در خارج، به ویژه در نتیجه حملات تروریستی متحمل صدمه شده‌اند.

در ایران متأسفانه تا کنون قانون خاصی در این زمینه وضع نشده، البته تلاشهایی در این راستا صورت گرفته است. از جمله در سال ۱۳۸۸ هیئت دولت وقت دستورالعمل حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی را بر عهده وزارت دادگستری قرار داد و این وزارتخانه لایحه پیشنهادی خود را جهت بررسی به هیئت وزیران تقدیم کرد. بر اساس ماده ۱ این لایحه به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خسارت آن‌ها در اجرای مقررات این قانون و سایر قوانین مرتبط، صندوقی به نام «صندوق حمایت از بزه‌دیدگان» در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود. قرار بود در راستای اجرای سیاستهای حمایتی دولت از بزه‌دیدگان، دستور العملی تهیه و تدوین و به صورت آزمایشی تا پایان سال مالی ۱۳۸۸، به مورد اجرا گذارده شود. همچنین پس از پایان مدت اجرای آزمایشی و در صورت تمدید ردیف بودجه و وصول پیشنهاد های مراجع ذی ربط و صاحب نظران و بررسی موارد تجدیدنظر لازم در آن برای سال های بعدی نیز عمل خواهد شد^۱. متأسفانه اطلاعات بیشتری در مورد تمدید آن وجود ندارد.^۲

سازمان ملل متحد نیز در حمایت از طرح های پرداخت غرامت به قربانیان موضع جدی دارد. اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت مقرر می‌نماید که «هرگاه غرامت به طور کامل از طرف مرتکب یا دیگر منابع موجود نباشد، دولتها

۱. <<http://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=۲۳cb۳۷e-cccb-۴۴۰e-۹۷fa-fbcc۳۳۸۷۴e۴۸>>

(last visit ۱۵ July ۲۰۱۷)

۲. در دهم اردیبهشت ۱۳۹۶ قوه قضائیه لایحه ای را در مورد تشکیل صندوق حمایت از بزه دیدگان به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد. برای جزئیات بیشتر بنگرید به:

<<http://www.hvm.ir/detailnews.aspx?id=۴۹۸۱۳>> (last visit ۱۵ July ۲۰۱۷)

باید تلاش نمایند تا غرامت مالی را تامین نمایند.» (Declaration of Basic Principles of Justice, ۱۹۸۵: para. ۱۲) در همین راستا، سازمان ملل متحد برخی از صندوق های خود در مورد پرداخت غرامت به قربانیان را تاسیس نمود. نخستین مورد، صندوق امانی ملل متحد برای شیلی بود. این صندوق، یک صندوق داوطلبانه برای «دریافت وجوه و توزیع... کمک های بشردوستانه، حقوقی و مالی به اشخاصی بود که قربان نقض حقوق بشر از طریق بازداشت یا حبس در شیلی نقض بودند.» (Declaration of Basic Principles of Justice, ۱۹۷۸: para. ۱)

این صندوق به صندوق داوطلبانه ملل متحد برای قربانیان شکنجه تبدیل شد که امروزه نیز فعال است و وجوه را بین سازمان های غیر دولتی یا سازمان هایی که به قربانیان شکنجه و اعضای خانواده هایشان مساعدت بشردوستانه ارائه می نمایند، توزیع می نماید. (United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture, ۱۹۸۱: para. ۱(a)) متحد نیز یک صندوق امانی داوطلبانه در مورد اشکال معاصر بردگی در سال ۱۹۹۱ تاسیس کرد (United Nations Voluntary Trust Fund on Contemporary Forms of Slavery, ۱۹۹۱: که از جمله «از طریق مجاری مسلم مساعدت، کمک مالی بشردوستانه، حقوقی و مالی به افرادی که حقوق بشر آنها در نتیجه اشکال معاصر بردگی به شدت نقض شده، تعمیم داده شود.» (United Nations Office of the High Comm'r for Human Rights, ۲۰۰۵: para. ۱)

امروزه بیشتر این گرایش وجود دارد تا به جای صندوق های پرداخت غرامت عام به قربانیان تروریسم به طور کلی، صندوق های خاص ایجاد شود. ۱. برای نمونه، قانون ضد

۱ در این خصوص به طور کلی بنگرید به: محمود جلالی و زینب سادات موسوی، جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت موثر از بزه دیدگان آن، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۳.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید ... / ۱۷۵

تروریسم و مجازات مرگ موثر^۱ در ایالات متحده آمریکا پرداخت غرامت هم در قبال تروریسم بین‌المللی و هم داخلی را امکان پذیر می‌سازد. به علاوه، برخی از طرح‌ها پرداخت غرامت به تمام قربانیان جرایم شدید را اجازه می‌دهند. برای نمونه، در انگلستان می‌توان به طرح پرداخت غرامت در قبال زیان‌های کیفری^۲ اشاره کرد. (The Criminal Injuries Compensation Scheme, ۲۰۱۲: para. ۹)

اگر چه طرح‌های پرداخت غرامت به قربانیان گاهی به خاطر ناکافی بودن غرامت مورد انتقاد قرار گرفته (Chappell, ۱۹۷۲:۲۹۴,۳۰۳) اما تردیدی نیست که هر ساله زمینه را برای پرداخت غرامت به میلیون‌ها قربانی فراهم می‌سازند. (Hoelzel, ۱۹۸۰: ۴۸۵, ۴۸۶, ۴۸۸) این طرح‌ها تضمین می‌نمایند که منافع قربانیان وجه مصالحه منصفانه بودن دادرسی قرار نگیرد.

در خصوص صندوق امانی قربانیان (TFV)، لازم است تا به تفاوت بین نظریه‌های جبران خسارت، پرداخت غرامت و مساعدت اشاره کرد. جبران خسارتها اساساً در مقابل موجودیتی حقوقی است که مسئول صدمه وارده می‌باشد. هدف جبران خسارتها این است که قربانی در وضعیت قبل از ارتکاب جرم مورد حکم قرار گیرد. میزان جبران خسارت مبتنی بر شدت صدمه وارده می‌باشد و معمولاً بعد از یک تصمیم قضایی یک بار برای همیشه حکم به آنها داده می‌شود. اگر چه جبران خسارت بخشی از احکامی است که بعد از محکومیت کیفری یا حتی تعیین مجازات تعیین می‌شود، اما منطق بنیادین آنها ملهم از حقوق مسئولیت می‌باشد. (Strang, ۲۰۰۲: ۱۷) پرداخت غرامت (Compensation) غالباً در خصوص بخشی از مکمل یا جایگزین عمومی جبران خسارتها استفاده می‌شود. در موارد ناتوانی محکوم علیه در پرداخت تمام مبلغ خواسته حکم، معمولاً صندوق‌های جایگزینی

^۱ Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act

^۲ The UK Criminal Injuries Compensation Scheme

پیش بینی می شوند. به این ترتیب دولت یا جامعه حق بر جبران را تضمین می نماید. البته در مواردی بدون محکومیت کیفری غرامت پرداخت می شود. این امر نشانه حرکت از منطق جبرانی مضیق می باشد. (Culhane, ۲۰۰۳:۱۰۸۵)

به طور کلی، جبران خسارت معمولاً یک حق است، در حالی که مساعدت معمولاً یک امر اختیاری و مبتنی بر صلاحدید است. این تفاوت به ویژه در مورد دیوان نیز وجود دارد. دیوان می تواند حکم به جبران خسارت بدهد، صندوق امانی قربانیان می تواند برخی از منابع خود را برای تضمین پرداخت غرامت به عنوان جایگزین جبران خسارتهای حکم داده شده بکار بگیرد و می تواند به مساعدت پردازد.

۲-۳- تاملی بر رژیم پرداخت غرامت به قربانیان در اساسنامه رم

مساعدتی که قربانیان به عنوان شاهد دریافت می کردند به هیچ وجه مستقیماً با صدمه وارده مرتبط نبود. در مجموع می توان گفت رژیم جبران خسارتهای دادگاههای اختصاصی بندرت مورد استفاده قرار گرفت.

در کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ تغییر عمده ای در قبال قربانیان صورت گرفت (Fischer ۱۹۷-۱۹۵:۲۰۰۳) که در دو حوزه قابل بررسی است. نخست آن که، اساسنامه رم برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی اصل مشارکت قربانی را «در جایی که منافع شخصی قربانی زیان دیده» اعلام می کند. ۱ در هر مرحله ای که این منافع وجود دارد، قربانیان «مشارکت کننده» می باشند. ۲ دوم این که اساسنامه رم بیانگر پیدایش رژیم پرداخت غرامت به قربانی برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی می باشد.

۱ اساسنامه رم، بند ۳ ماده ۶۸.

۲ همان، بند ۳ ماده ۱۵، بند ۳ ماده ۱۹، شق ج بند ۱ ماده ۵۳، شق ج بند ۲ ماده ۵۳، بند ۴ ماده ۶۵ و بند ۳ ماده ۶۸.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید .../۱۷۷

صندوق امانی قربانیان کاملاً جدید و منحصر به فرد است به این معنا که تمام عناصر متفاوت موجود در طرح‌های پرداخت غرامت به قربانیان را با هم تلفیق نماید. نخست، این رژیم یک عنصر جبرانی قوی دارد که متأثر از ماهیت قضایی بنیادین آن می‌باشد. دیوان در صورتی حکم به جبران خسارت می‌دهد که متهم مجرم شناخته شود. ۱. جبران خسارتها معمولاً تا حد زیادی از طریق جریمه‌ها، ضبط اموال و صدور احکام جبران خسارت علیه محکوم علیه توسط دیوان تامین می‌شوند. ۲. جبران خسارتها به دادگاههای داخلی برون سپاری نمی‌شوند بلکه تا حدود بسیار زیادی در اختیار خود دیوان است. ۳. در خصوص ماهیت اساسی جبران خسارتها در دیوان تردید اندکی وجود دارد. حکم علیه متهم و به نفع قربانی با هدف جبران خسارت ناشی از صدمه وارده صادر می‌شود.

مقررات اساسنامه دیوان، گویای پذیرش آسیب‌های متفاوت ناشی از جرم و کوشش در جهت ترمیم این آسیبها به شیوه مناسب می‌باشد. (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۲: ۱۷۴) صندوق امانی به عنوان مجری احکام دیوان عمل می‌کند. ۴. لازم است تا هنگام تعیین ماهیت و یا میزان جبران خسارت عوامل متعددی از قبیل ماهیت جرم و صدمات خاص وارده به قربانیان در نظر گرفته شود. ۵. هیات مدیره صندوق باید یک طرح اجرایی را تحت نظارت شعبه ذریبط طراحی نماید. ۶. در عمل دیوان نمی‌تواند ناظر جزئیات هر حکم جبران خسارت باشد و صندوق عمدتاً برای احکام جمعی طراحی شده است. به این ترتیب،

۱ همان، بند ۲ ماده ۷۵ و آیین دادرسی دیوان بین‌المللی کیفری، مواد ۹۴ تا ۹۹.

۲ مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۲۱.

۳ اساسنامه رم، ماده ۷۵.

۴ آیین دادرسی دیوان، ماده ۹۸.

۵. مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۵۵.

۶ همان، بند ۵۷.

صندوق بیشتر بر مبنای منطق مضیق جبران خسارت تحت نظارت قضایی دقیق عمل می‌کند.

همچنین صندوق امانی وجوه داوطلبانه ای را از دولتها، سازمان های بین‌الدولی و غیر دولتی دریافت می‌کند.^۱ از نظر شعبه مقدماتی دیوان وظیفه صندوق امانی ابتدائاً عبارت است از تضمین وجود وجوه کافی برای اجرای دستور دیوان به جبران خسارت بر طبق ماده ۷۵ اساسنامه. این تصمیم که به درستی مورد بازبینی قرار گرفت، (Dannenbaum, ۲۰۱۰:۲۴۷) به نظر می‌رسد با برداشت صندوق از نقش خود در تناقض باشد و می‌تواند در رویه بعدی مورد اعتراض قرار بگیرد.

بنابر آیین دادرسی، منابع صندوق را می‌توان برای بازتوانی فیزیکی یا روانی قربانیان و خانواده هایشان بکار گرفت.^۳ در حالی که نقش دیوان در رابطه با جبران خسارت کاملاً واضح است، نقش صندوق امانی پیچیده تر است. تردیدی نیست که دو مدلی که صندوق می‌تواند حمایت کند با هم در تناقض هستند؛ یک مدل مبتنی بر جبران خسارت است و دیگری مبتنی بر مساعدت؛ یکی نگاهش به گذشته است و مجرمیت محور است و دیگری نگاهش به جلو و نیاز محور است. نظر به آن چه که گفته شد از حیث مبنای نظری در خصوص رژیم جبران خسارت در دیوان باید بیشتر بحث شود. همچنین لازم است تا در جهت کارآیی و کارآمدی بیشتر این دو مدل مطالعه و تحقیق بیشتری صورت گیرد.

۴- ضرورت تنظیم اصول جبران ضرر و زیان ناشی از جنایت

۱ همان، بند ۵.

۲ مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۵۶.

۳ مقررات صندوق امانی قربانیان، جزء ۱ شق الف بند ۵۰.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید ... / ۱۷۹

نظام جبران خسارت در دیوان بین‌المللی کیفری از بسیاری جهات منحصر به فرد می باشد. نظام دیوان همچنین از رویه نهادهای حقوق بشری منطقه ای و بین‌المللی و سایر دیوانها متفاوت است. نظام جبران خسارت در دیوان تا حد بسیار زیادی با نظامهای دادگستری کشورهای رومی-ژرمن شباهت دارد. بدیهی است که دیوان یک دادگاه ملی نیست و بخشی از ساختار قضایی هیچ دولتی نیست. بنابراین، لازم است تا در خصوص موارد زیر آیین ها و رویه های صریحی تثبت شود.

۴-۱- مطلع نمودن قربانیان، وکلای مدافع، اشخاص ثالث و دولت ها از فرایند جبران خسارت

قربانیانی که برای جبران خسارت دادخواستهایی را در نخستین پرونده ها در نزد دیوان به ثبت رساندند تقریباً، جز مقررات خود اساسنامه، اطلاعات دیگری در مورد فرایند پیشرو یا نتایج احتمالی آن نداشتند. همچنین در خصوص جبران خسارت، هم از حیث شکلی و هم از حیث ماهوی، سوالهای بی جواب زیادی وجود دارد. بنابراین، چنین وضعیتی می تواند منجر به سردرگمی و عدم موفقیت شود. همچنین، متهمان در خصوص این که در صورت محکومیت، چه چیزی عایدشان می شود، سردرگم هستند. برای مثال، هنوز معلوم نیست که آیا فرایند جبران خسارت در صورت درخواست محکوم علیه برای تجدیدنظرخواهی ادامه پیدا می کند یا خیر. بنابراین ضروری است که وکلای مدافع از این فرایند و اصول ناظر بر آن مطلع باشند.

بعلاوه، اشخاص ثالثی که ممکن است از احکام جبران خسارت زیان ببینند، حق دارند تا تمام این فرایند را بدانند. همچنین ممکن است از آنها خواسته شود تا در خلال فرایند

جبران خسارت حضور یابند و بتوانند درخواست تجدیدنظر نمایند. ۱. دولت‌ها باید به طور صریح در جریان اشکال همکاری خود با دیوان برای اجرای احکام جبران خسارت باشند.

۴-۲- تضمین رویکرد جامع دیوان در خصوص جبران خسارت

جبران خسارت صرفاً مسئولیت قضات نیست. همه ارکان دیوان، در تضمین کامل و موثر فرایند جبران خسارت برای قربانیان، مسئولیت دارند. دادسرای دیوان مسئول انجام تحقیقات مالی و شناسایی دارایی‌های مظنون می‌باشد. از این طریق تضمین مینماید که چه اقداماتی برای ردیابی، شناسایی و انستداد آنها صورت گیرد. به موجب بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه، «دیوان» باید اصولی را تثبیت نماید. بنابراین، تمام ارکان دیوان باید در فرایند شناسایی و تعیین اصول مقتضی نقش داشته باشند.

۴-۳- تضمین انسجام تصمیم‌گیری‌های دیوان

در دیوان قضاتی از تمام مناطق دنیا و نظام‌های حقوقی مختلف ملی حضور دارند که در مورد جبران خسارت رویکردهای مختلفی دارند. اگر فرایند صدور احکام جبران خسارت بدون یک چارچوب اصول کلی باشد، می‌تواند دچار تشتت و پراکندگی شود و باعث سردرگمی قربانیان، بی‌عدالتی علیه محکوم‌علیه‌ها و تضعیف شهرت دیوان شود. این اصول باید راهنمایی صریحی برای همه قضات باشند تا بتوانند تصمیمات منسجمی را اتخاذ نمایند. در عین حال، این اصول باید انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشند تا قضات بتوانند احکام ماهوی را صادر نمایند که ویژگی‌های خاص بزه‌دیدگی در یک پرونده خاص را منعکس نمایند.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید .../۱۸۱

۴-۴- ایجاد سیاستهای راهبردی جبران خسارت دیوان در چارچوبی وسیع تر از حق بر

جبران خسارت

فرایند جبران خسارت در دیوان امری انتزاعی نیست. این فرایند در کنار دیگر سازوکارهایی است که قربانیان به موجب حقوق بین‌الملل و داخلی به آنها دسترسی دارند. در واقع، اساسنامه رم تنها به ارایه جبران خسارت در خصوص محکومین دیوان محدود می شود و نه علیه دولتها. دیوان نمی تواند جبران خسارت کاملی برای قربانیان در همه پرونده ها ارایه نماید. فرایند جبران خسارت در دیوان بگونه ای باید باشد که دولتها بتوانند تعهدات خود را بمنظور تضمین دسترسی کامل و موثر قربانیان نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به جبران خسارت سریعاً انجام دهند.

۵- اصول قابل اعمال توسط دیوان در خصوص جبران ضرر و زیان ناشی از جنایات

بین‌المللی

به موجب ماده ۲۱ اساسنامه رم، مقررات اساسنامه و قواعد آیین دادرسی و همچنین اصول مربوط به جبران خسارت در حقوق بین‌الملل موجود را برای تنظیم اصول بران خسارت باید درنظر داشت. تضمین دسترسی برابر و موثر مستلزم تلاش فعالانه دیوان برای شناسایی چالش های بالقوه و مقابله با آنهاست. قربانیان همچنین ممکن است با موانعی برای دسترسی به فرایند جبران خسارت در دیوان مواجه باشند. از جمله می توان به موانع زبانی، اقتصادی و جنسیتی اشاره کرد که در هنگام توسعه رویه ها مورد توجه و بررسی قرار گیرند و با واقعیات موجود انطباق داده شوند. بر این اساس می توان اصول زیر را مطرح و مورد بحث قرار داد.

الف: حمایت از قربانیان خواهان جبران خسارت و رعایت اصل عدم تبعیض

سیاستها و اقدامات مناسب باید در خصوص رفاه روانی قربانیان، کرامت آنان و حریم خصوصی شان از حیث جبران خسارت طبق ماده ۶۸ اساسنامه طراحی شود. این مقرر در تمام مراحل رسیدگی برای تمام ارکان دیوان الزامی است. عدم تبعیض، از جمله، در اصل ۲۵ اصول بنیادین راجع به جبران خسارت پیش بینی شده است. ۱. دیوان در تثبیت سیاستها و تصمیم گیریها باید عدم تبعیض بر مبنای جنس، جنسیت، قومیت، نژاد، سن، وابستگی سیاسی، طبقه، وضعیت زناشویی، ملیت، مذهب، موقعیت جغرافیایی و ناتوانی را تضمین نماید و تلاش نماید تا اقدامات مثبتی را به منظور جبران نابرابریها معمول دارد.

ب: تضمین دسترسی کودکان، زنان و دختران به جبران خسارت

از حیث گستردگی خشونت جنسیت محور که بخشی از نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است و همچنین از حیث موانع اقتصادی-اجتماعی و تبعیض آمیز که زنان و دختران در دسترسی به عدالت با آن مواجه هستند، دیوان باید اقدامات خاصی را به منظور تسهیل دادخواستها و مشارکت در تمام مراحل رسیدگی برای جبران خسارت اتخاذ نماید. ۲. این امر شامل بیوه زنان، دختران، کودکان، مادر-کودک و دیگر وابستگان قربانیان می شود. بهترین رویه ها باید بکار گرفته شود تا زنان و کودکان در معرض قوانین یا عرفهای تبعیض آمیز نباشند.

در هر محاصمه ای، کودکان قربانی جنایاتی از قبیل نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی بوده اند. از این رو، دسترسی کودکان به جبران خسارت در اسناد بین‌المللی

۱ Basic Principles and Guidelines, Principle ۲۵; Declaration of Basic Principles of Justice, Principle ۳; Nairobi Declaration, Principle ۱.

۲ علاوه بر اساسنامه، در اسناد بین‌المللی دیگر نیز تضمین دسترسی زنان و دختران به جبران خسارت پیش بینی شده است. برای نمونه بنگرید به:

Nairobi Declaration, Principle ۲.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید .../۱۸۳

تضمین شده است. ۱ دیوان باید فرایند جبران خسارت را به نحو موثر عمومی و علنی نماید؛ ۲ از جمله از رهگذر اقداماتی که مدیردفتر باید بر طبق ماده ۹۶ آیین دادرسی اتخاذ نماید. ۳ راهبردهای مربوط به برنامه های فراگیر باید نیازهای خاص کودکان را در نظر داشته باشند. ۴ در مواردی که ملاحظات امنیتی مانع از ورود پرسنل دیوان برای اجرای برنامه های فراگیر در محل سکونت قربانیان می شود، تدابیر خاصی برای شیوه های مناسب اطلاع رسانی به قربانیان باید اتخاذ شود. علنی کردن فرایند جبران خسارت این امکان را فراهم می سازد تا تصمیمات موجهی اتخاذ گردد.

ج: تامین مساعدت مناسب برای قربانیان و اجرای رسیدگی ها در محل وقوع بزه

در بسیاری از موارد، قربانیان نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نیازمند کمک به تکمیل فرم های دادخواست و سپس مشارکت در کل فرایند جبران خسارت می باشند. دیوان باید تضمین نماید که قربانیان از مساعدت مناسب برخوردار هستند. ۵ از جمله این که از طریق واسطه ها با قربانیان ارتباط برقرار کند و به این ترتیب قربانیان بتوانند

از جمله بنگرید به مواد ۱۲ و ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک. ۱

عمومی و علنی کردن فرایند جبران خسارت به نحو موثر در برخی از اسناد بین المللی برسمیت شناخته شده است. از جمله می توان به ۲ موارد زیر اشاره کرد:

Basic Principles and Guidelines, Principle ۱۲ (a); Updated Set of Principles for the Protection and Promotion of human rights through action to combat impunity, Principle ۳۳; Nairobi Declaration, Principle ۲ (a).

ماده ۶۹ آیین دادرسی دیوان. ۳

برای نمونه بنگرید به: ۴

UN Guidelines on Justice, ۲۰۰۵, Chapter VII, The right to be Informed, Paras. ۱۹ and ۲۰.

این اصل در اساسنامه ذکر نگردیده است؛ اما در اسناد دیگر پیش بینی شده است. برای نمونه بنگرید به: ۵

Basic Principles and Guidelines, Principle ۱۲ (c); Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, Principle ۶ (c).

درخواست جبران خسارت بنمایند. ۱. کودکان، به دلیل سن پایین خود، اجازه تحصیل و وضعیت حقوقی شان بر اساس حقوق ملی، در درخواست جبران خسارت نیازمند حمایت خاصی می باشند. به ویژه، دادخواستهای کودکان برای جبران خسارت مشروط به رضایت والدین می باشد. بنابراین دیوان باید تضمین نماید که تمام قربانیانی که خواهان جبران خسارت هستند می توانند نماینده حقوق به انتخاب خود داشته باشند. ۲.

د: تنظیم زمان معقول برای درخواست و مشارکت

مهلت های تنظیم شده نباید به طور غیر معقول دسترسی قربانیان به استیفای حقوقشان را محدود کند. برای تضمین دسترسی کافی به جبران خسارت، در ابلاغیه ها زمان کافی برای مدعیان تضمین شود. مثلا باید زمان کافی پیش بینی شود. دیوان باید دیدگاههای قربانیان، نمایندگان آنها، کارشناسان، جامعه مدنی، واحد اطلاعات عمومی و مستندسازی و صندوق امانی قربانیان را در هنگام تنظیم مهلت ها جویا شود و مورد توجه قرار دهد.

ه: اجرای فرایند جبران خسارت به ابتکار خود دیوان و آگاه کردن بزه دیدگان از رسیدگی

بموجب بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه، دیوان می تواند در خصوص جبران خسارت به ابتکار خود بنابر اوضاع و احوال «استثنایی» توصیه هایی را بنماید. این امر می تواند شامل وضعیت های مخاصمه و بعد از مخاصمه بشود. در این وضعیت ها، قربانیان به ویژه

انگریز به:

Nairobi Declaration, Principle ۳ (g).

۲ این بند منطبق با بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه می باشد که بر اساس آن قربانی در انتخاب نماینده حقوقی آزاد است.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید ... / ۱۸۵

قربانیان آسیب پذیرتر، شاید در موقعیتی نباشند که بتوانند به ابتکار خود درخواست جبران خسارت نمایند.

قربانیان باید مرتباً از وضعیت رسیدگی‌ها، از جمله از طریق ابلاغیه‌ها توسط دفتر دیوان و از طریق نمایندگان قانونی‌شان، مطلع باشند.^۱ مدیر دفتر باید از طریق اقدامات لازم تضمین نماید که اطلاعات لازم از قربانیان به شکلی دریافت می‌شود که بتواند آن را درک کنند.

۵-۲- سیاستها و سازوکار ناظر بر استحقاق جبران خسارت

این که اصولاً چه کسی یا کسانی مستحق جبران خسارت می‌باشند، مساله مهمی است. در این خصوص که چه کسانی مستحق دریافت جبران خسارت هستند، دیوان باید اصولی را مشخص کند. این اصول می‌تواند ناظر بر بزه دیده و دیگر ذینفعان بشود. بر اساس ماده ۸۵ آیین دادرسی دیوان، قربانی شامل خانواده یا وابستگان سببی مستقیم قربانی و اشخاصی می‌شود که در هنگام بحران درصدد کمک به قربانی یا پیشگیری از بزه دیدگی بودند.

۵-۳- اصول مربوط به تعیین گستره ضرر یا زیان وارده به قربانیان

الف: گستره تصمیمات، انتصاب کارشناس و مشورت با بزه دیده

قضات باید احکام خود در مورد جبران خسارت را مبتنی بر یک تحلیل جامع از صدمه وارده به قربانیان بنمایند. از جمله جنبه‌های فردی و جمعی صدمه وارده به قربانیان مستحق و تاثیر خاص و متفاوت بر قربانیان مورد توجه قرار گیرد. این تحلیل بدون تردید

^۱ این اصل در اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه دیدگان جرم و سوء استفاده از قدرت نیز پیش بینی شده است.

ابزار مفیدی برای قربانیانی خواهد بود که مشمول حکم دیوان به جبران خسارت نمی باشند.

دیوان می تواند بر طبق ماده ۹۷ آیین دادرسی کارشناسانی را منصوب نماید. این کارشناسان باید در خصوص خشونت جنسی و خشونت علیه زنان و کودکان تخصص داشته باشند.

ب: شناسایی تمام اشکال خسارت و عوامل مرتبط با جنایات

دیوان باید تمام اشکال صدمه ناشی از ارتکاب جنایات توسط محکوم علیه را در تعیین خسارت، زیان یا آسیب به قربانی در نظر بگیرد. از جمله دیوان باید آسیب فیزیکی و مرگ، بیماری، صدمه روانی از جمله استرس، خسارت یا زیان وارده به اموال یا ملک، از دست دادن فرصت تحصیلی، از دست دادن درآمد، خسارت به برنامه زندگی قربانیان،-Intern (American Court of Human Rights, ۱۹۹۸:paras. ۱۴۷-۱۵۰.) سلب آزادی، سلب حقوق، از دست دادن زندگی خانوادگی، صدمه اجتماعی و صدمه فرهنگی را مورد توجه قرار دهد.

ج: واکنش به جنایات و خدمات ارایه شده به قربانیان

دیوان صدمه بیشتری را که قربانیان در نتیجه ارتکاب جرم متحمل شده اند، از جمله برچسب زنی (به ویژه آن چه که بازماندگان خشونت های جنسی (Rashida Manjoo, ۲۰۱۰:para. ۴۵) و کودکان سرباز یا وابستگان آنها متحمل شده اند) و همچنین آثار جنایات مستمر را در نظر بگیرد. دیوان همچنین باید تاثیر هر گونه خدمات ارایه شده یا نشده به قربانیان را از زمان ارتکاب جنایت در ارزیابی صدمات و ضرورت بازتوانی در نظر بگیرد.

۵-۴- اصول ناظر بر توسعه احکام جبران خسارت علیه محکوم علیه

احکام دیوان در مورد جبران خسارت باید در مورد هر پرونده خاص باشند. بدین منظور و به منظور تضمین انسجام، دیوان باید اصولی را تثبیت نماید که ناظر بر فرایند رسیدگی به جبران خسارت باشند. این اصول شامل موارد زیر می‌شوند:

الف: هدف احکام جبران خسارت و متناسب بودن با صدمه

احکام دیوان در مورد جبران خسارت باید تا حد امکان تمام آثار جنایات ارتكابی را از بین ببرند. (Chorzow Factory Judgment, ۱۹۲۸:para.۲۸) در حالی که وضعیت از قبل موجود عاملی در تقویت جنایت بوده، جبران خسارت باید به گونه‌ای باشد که تا حد امکان از ارتكاب مجدد جلوگیری نماید. (Basic Principles and Guidelines, principle ۱۵:۲۰۰۵) جبران خسارت باید متناسب با شدت موارد نقض و صدمات وارده باشد. ۱. همچنین «از آنجایی که خشونت ارتكابی علیه زنان به طور کلی در قالب حاشیه‌انگاری نظام یافته می‌باشد، لذا اقدامات مربوط به جبران خسارت باید جبران خسارت فردی و تحول‌ساختاری را پیوند دهد.» (Rashida Manjoo, ۲۰۱۰:paras.۲۴ and ۳۱)

ب: ضرورت مشورت با بزه‌دیدگان

سیاست‌های دیوان به منظور حمایت از کرامت قربانیان، بازتوانی و ادغام آنها در جامعه، باید مشوق مشارکت قربانیان، از جمله زنان و کودکان در فرایند تصمیم‌گیری در خصوص جبران خسارت باشد. «بدون مشارکت زنان و دختران حوزه‌های مختلف، راه‌حل‌ها و ابتکارات به احتمال زیاد تجربه خشونت مردان و نگرانی‌های آنها، اولویت‌ها و نیازهای

۱ برای نمونه بنگرید به:

آنها از حیث جبران خسارت را منعکس می نماید. به علاوه، بدون چنین مشارکتی، فرصت به دست آوردن حس نمایندگی که به خودی خود می تواند شکل مهمی از جبران خسارت باشد، به ویژه زمانی که قربانیان خودشان را به مثابه کنشگران تغییرات اجتماعی تصور می کنند، از دست می رود.» (Rashida Manjoo, ۲۰۱۰: paras. ۲۹)

به منظور تعیین این که چه نوع جبران خسارتی با وضعیت قربانیان متناسب تر است، توجه شایانی باید به قربانیان بشود. به ویژه، قربانیان می توانند واقعیت هایی را که با آن رو به رو هستند به دیوان ارایه نمایند از جمله نحوه اجرای احکام بر مبنای سنت های فرهنگی و عرف های محلی.

ج: اشکال جبران خسارت

جبران خسارت نباید به یک شیوه خاص محدود شود. جبران خسارت می تواند به شیوه های متعددی باشد. (Basic Principles and Guidelines, ۲۰۰۵: Principles ۱۸ to ۲۳) اگر چه بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه به اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت و بازتوانی اشاره می کند، اما این نوع اقدامات جبران خسارت باید بر طبق بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه تفسیر شوند؛ بدین صورت که شامل اشکال اساسی جبران خسارت از قبیل رضایتمندی و تضمین عدم تکرار بشوند. این گونه جبران خسارتها نه تنها برای قربانیان معنادار می باشند، بلکه برای اشخاص محکوم علیه نیز می تواند معنای بازتوانی داشته باشند.

به منظور تضمین پایداری، مزایای جبران خسارت می توانند به دنبال کاهش وابستگی قربانیان و توانمندسازی آنان باشند.

د: مقررات مربوط به استطاعت محکوم علیه برای جبران خسارت

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید ... / ۱۸۹

حکم به جبران خسارت باید صدمه خاص وارده را مورد توجه قرار دهد و نباید با وضعیت توانایی مالی محکوم علیه پیوند داده شود. در صورتی که محکوم علیه به واسطه نبود یا ناکافی بودن منابع یا دیگر شرایط مقرر در ماده ۹۸ آیین دادرسی، توانایی مالی برای اجرای حکم جبران خسارت را نداشته باشد، صندوق امانی قربانیان می‌تواند خواستار بخشی از درآمدهای داوطلبانه خود برای اجرا حکم باشد. به علاوه، همان‌گونه که در بند ۴ ماده ۹۸ آیین دادرسی مقرر شده، دیوان می‌تواند حکم دهد که جبران خسارت از طریق صندوق امانی قربانیان به یک سازمان بین‌الدولی، بین‌المللی یا ملی مورد تایید خود صندوق واگذار شود. صندوق می‌تواند تلاشهای سرمایه‌گذاری معینی را در رابطه با اجرای حکم به عمل آورد.

ه: احکام فردی و یا جمعی جبران خسارت

درخواست‌های قربانیان که در دادخواست‌ها، مشاوره‌ها یا جلسات رسیدگی مشخص شده، باید در تعیین ماهیت و اشکال جبران خسارت مورد توجه شایان قرار گیرد. به ویژه در رابطه با جبران خسارتهای جمعی، باید تدبیری اندیشیده شود تا قربانیان، انجمن‌ها و دیگر موجودیت‌های جمعی بتوانند اظهارات مشترک خود را ارایه نمایند. تصمیم‌گیری در مورد احکام جبران خسارت انفرادی باید بر اساس اوضاع و احوال و ماهیت خاص بزه دیدگی در پرونده مطروحه نزد دیوان باشد. در مواردی که بر یک مبنای جمعی حکم جبران خسارت داده می‌شود، اشکال جبران خسارت باید صدمه خاص وارده به قربانیان از قبیل خدمات پزشکی خاص، روان‌درمانی، آموزش و تربیت یا افزایش آگاهی در مورد بزه دیدگی را مورد توجه قرار دهند تا به این ترتیب زمینه را برای اجتماعی شدن قربانیان فراهم سازند.

و: منافع عالیه کودک

در خصوص جبران خسارات وارده به کودک، منافع عالیه کودک باید تعیین کننده باشد. به موجب ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک: (۱) در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرائی، یا ارگانهای حقوقی انجام می‌شود، منافع عالیه کودک باید مورد توجه قرار گیرد. (۲) کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که حمایتها و مراقبتهای لازمه را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق و وظایف والدین آنها، قیم و یا سایر افرادی که قانوناً مسئول آنان هستند، تضمین کنند و در این راستا اقدامات اجرائی و قانونی مناسب معمول خواهد گردید. (۳) کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و وسائلی که مسئول مراقبت و حمایت کودکان هستند مطابق با معیارهایی باشند که توسط مقامات صلاحیتدار به ویژه در زمینه‌های ایمنی، بهداشت، تعداد کارکنان آن مؤسسات و نحوه نظارت و بازرسی، تعیین شده است.

۶- اظهارات پایانی

حمایت از قربانیان لزوماً به معنای مجازات مجرمین نیست. دیوان، به مثابه رکن قضایی کیفری دائمی، برای مقابله با بی‌کیفرمانی تشکیل شده است. در عین حال، در دیپاچه و متن اساسنامه بزه دیده (یا قربانی) مورد توجه قرار گرفته شده است. حمایت از قربانیان را باید یکی از اهداف اصلی دیوان دانست.

حمایت از قربانی نه تنها در حقوق داخلی، بلکه در حقوق بین‌المللی (به طور عام) و در حقوق بین‌المللی کیفری (به طور خاص) مورد توجه قرار گرفته شده است. این حمایت را می‌توان در ذیل حق بر جبران خسارت تعبیر کرد. در اسناد بین‌المللی کیفری، حمایت از بزه دیدگان با پذیرش اساسنامه دیوان در سال ۱۹۹۸ وارد مرحله نوینی شده است. پیش

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید .../ ۱۹۱

از پذیرش این سند، در اسناد موسس دادگاههای بین‌المللی کیفری کمتر به بحث جبران خسارت از بزه دیدگان پرداخته شده است. بنابراین، اساسنامه دیوان را می‌توان نقطه عطفی در حوزه جبران خسارت از بزه دیدگان دانست.

در اساسنامه کلیات راجع به جبران خسارت مطرح شده است. جزئیات مربوط به جبران خسارت و تنظیم سیاستهای راهبردی بر آن به دیوان واگذار شده است. بر این اساس دیوان در رویه خود متناسب با هر پرونده اصول و جزئیات ناظر بر جبران خسارت را مشخص خواهد کرد. دیوان در هنگام تعیین این اصول و رویه‌ها لازم است که معیارهای حقوق بشری خارج از اساسنامه را در خصوص جبران خسارت مدنظر داشته باشد. به عبارت دیگر، قضات دیوان در تعیین این اصول و رویه‌ها تابع «بایدها» و «نبایدهایی» می‌باشند که موازین کلی حقوق بشری در خصوص جبران خسارت را تشکیل می‌دهند.

منابع

الف) فارسی

کتاب‌ها

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵)، *لسان العرب*، جلد ۷، بیروت، دارالفکر للطباعة النشر و التوزيع.

امامی، سید حسن، (۱۳۵۱)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد ۲، مؤسسه عالی حسابداری.

انصاری، مسعود و طاهری نیا، محمد علی، (۱۳۸۶)، *دانشنامه حقوق خصوصی*، جلد ۲، چاپ دوم، انتشارات محراب فکر.

حمید درخشان نیا، (۱۳۷۶)، *ضرر و زیان ناشی از جرم*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

خمینی، روح الله، (۱۳۸۵ ه. ق)، *الرسائل*، جلد ۱، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

صانعی، پرویز، (۱۳۷۲)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، انتشارات گنج دانش.

علی آبادی، عبدالحسین، (۱۳۶۷)، *حقوق جنایی*، جلد اول، موسسه انتشارات فردوسی، چ اول.

فقیه نخجیری، حسن، (۱۳۵۱)، *دعوی خصوصی در دادگاه جزا*، چاپ داور پناه.

معین، محمد، (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی*، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه امیرکبیر.

مقاله‌ها

آشوری، محمد، (۱۳۵۹)، «*عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی*»، نشریه موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۷.

جلالی، محمود و زینب سادات موسوی، (۱۳۹۵)، «*جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت موثر از بزه دیدگان آن*»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۱۳.

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید .../۱۹۳

لسانی، حسام الدین و مرضیه دیرباز، «حمایت‌های مادی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه دیدگان»، آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز- زمستان ۱۳۹۰، دوره جدید، شماره ۲.

اسناد

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ۱۹۹۸

آیین دادرسی دیوان بین‌المللی کیفری

مقررات صندوق امانی قربانیان

ب) منابع غیر فارسی

Books

Bentham, Jeremy, (۱۸۴۳), *Principles of Penal Law*, in *The Works of Jeremy*

Bentham, (Russell & Russell Inc. ۱۹۶۲) available at<

<http://oll.libertyfund.org/titles/bentham-the-works-of-jeremy-bentham-vol-۱>>

Ferri, Enrico, (۱۹۱۷), *Criminal Sociology*, Kessinger Publishing.

Garner, Bryan A., (۲۰۰۹), (editor in Chief), *Black's Law Dictionary*, ninth edition.

Strang, Heather, (۲۰۰۲), *Repair or Revenge: Victims and Restorative Justice*,

Clarendon Press.

Articles

Chappell, Duncan, (۱۹۷۲), "Providing for the Victim of Crime: Political Placebos or

Progressive Programs?", ۴ *Adelaide Law Review*.

Culhane, John G., (۲۰۰۳), "Tort, Compensation, and Two Kinds of Justice", ۵۵

Rutgers Law Review.

- Dannenbaum, Tom, (۲۰۱۰), "the International Criminal Court, Article ۷۹, and Transitional Justice: The Case for an Independent Trust Fund for Victims", ۲۸ Wisconsin International Law Journal.
- Fischer, Peter G., (۲۰۰۳), "the Victims' Trust Fund of the International Criminal Court—Formation of a Functional Reparations Scheme", ۱۷ EMORY International Law Review.
- Fry, Margery, (۱۹۵۹), "Justice for Victims", ۸ Journal of Public Law.
- Haldane, John & Anthony Harvey, (۱۹۹۵), "the Philosophy of State Compensation", ۱۲ Journal of Applied Philosophy.
- Hoelzel, William E., (۱۹۸۰), "A Survey of ۲۷ Victim Compensation Programs", ۶۳ Judicature.
- Shank, Willard, (۱۹۷۰), "Aid to Victims of Violent Crimes in California", ۴۳ Southern California Law Review.

Reports and Documents

- An Overview of Victim Services across Canada, Federal Ombudsman for Victims of crime, <<http://www.victimfirst.gc.ca/index.html> > (last modified Feb. ۲۶, ۲۰۰۹ and last visit ۰۳/۰۷/۲۰۱۸).
- Report from the Commission to the Council, the European Parliament and the European Economic and Social Committee, at ۴, COM (۲۰۰۹) ۱۷۰ final (April ۲۰, ۲۰۰۹). <<http://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=۲۳cbe۳Ve-cccb-۴۴۰e-۹۷fa-fbcc۳۳۸۷۴e۴۸>> (last visit ۱۵ July ۲۰۱۸)
- Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, G.A. Res. ۴۰/۳۴, Annex, para ۱۲, U.N. Doc.A/Res/۴۰/۳۴/ (Nov. ۲۹, ۱۹۸۵).
- United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture, G.A. Res ۳۶/۱۵۱, ۱(a), U.N. Doc A/RES/۳۶/۱۵۱ (Dec. ۱۶, ۱۹۸۱).

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید ... / ۱۹۵

United Nations Voluntary Trust Fund on Contemporary Forms of Slavery, G.A. Res. ۴۶/۱۲۲, U.N. Doc. A/RES/۴۶/۱۲۲ (Dec. ۱۷, ۱۹۹۱).

United Nations Office of the High Comm'r for Human Rights, United Nations Voluntary Trust Fund on Contemporary Forms of Slavery Guidelines for the Use of Organizations, ۲۰۰۵, Available at

<<http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Slavery/GuidelinesFund.pdf>> (last visited ۰۳ July ۲۰۱۸).

Criminal Injuries Compensation Authority, the Criminal Injuries Compensation Scheme (۲۰۱۲), para. ۹ (۲۰۱۲), available

at <https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/۲۴۳۴۸۰/۹۷۸۰۱۰۸۵۱۲۱۱۷.pdf>

OHCHR: Call for ۲۰۱۱ Applications UN Voluntary Fund for Victims of Torture, UN Non-Governmental Liaison Service,

<<http://www.ohchr.org/EN/Issues/Torture/UNVFT/Pages/WhattheFunddoes.aspx>>.

<http://www.icty.org/x/file/Legal/۲۰Library/Statute/statute_sept۰۹_en.pdf> (last visit ۰۲ July ۲۰۱۸)

Peace Village for Rwandan Genocide Survivors in Construction, AFROL NEWS (Sept. ۲۷, ۲۰۰۰), <http://www.afrol.com/html/News /rwa۰۰۸_victim_initiative.htm> . (last visit ۰۲ July ۲۰۱۸)

ICC, Decision on the Notification of the Board of Directors of the Trust Fund for Victims in Accordance with Regulation ۵۰ of the Regulations of the Trust Fund, at ۲, ICC-۰۱/۰۴-۴۹۲ (April ۱۱, ۲۰۰۸).

Nairobi Declaration on Women's and Girls' Right to a Remedy and Reparation, ۲۰۰۷.

Updated Set of Principles for the Protection and Promotion of human rights through action to combat impunity, ۸ February ۲۰۰۵, E/CN.۴/۲۰۰۵/۱۰۲/Add.۱

UN Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses, ECOSOC Resolution ۲۰۰۵/۲۰.

Manjoo, Rashida, Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences: A/HRC/۱۴/۲۲, ۱۹ April ۲۰۱۰.